پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هفتم) پنجشنبه ۵ ثور ۱۳۴۷ هـ ۲۵ اپریل ۱۹۶۸ ع

اول ماه می

کارگران جوان و زحمتکشان افغانستان!

جریان دموکراتیک خلق افغانستان ورود جنبش اول ماه می (۱۱ ثور ۱۳٤۷) روز رسم گذشت پرجلال اردوی عظیم کارگران جهان را به تمام خلق کارگر وطن از اعماق قلب شادباش می‌گوید. روز اول ماه می روز تاریخی‌ایست که باید کارگران جوان افغانی جشن پرشکوه خود را برگزار کنند و در فضای تیره‌وتار کشور فریادهای «زنده‌باد طبقهٔ کارگر جوان افغانستان» را بغرش درآورند. سال‌هاست که وطن ما دربند زنجیرهای استبداد و ارتجاع گیر افتاده و شعور طبقاتی و سیاسی کارگران کشور همچنان عقب مانده است و حتی طبقهٔ کارگر جوان کشور از روز تاریخی خویش بی‌خبر مانده‌اند. زیرا ارتجاع می‌داند که پیشروترین و مترقی ترین طبقه در جنبش رهایی‌بخش خلق افغانستان، طبقهٔ کارگر است.

در شرایط کنونی کارگران افغانستان محروم ترین و ستمدیده ترین طبقهٔ زحمتکش کشورند. وضع زندگی کارگران رقت‌انگیز و توان‌فرساست، کارگران کشور تا کنون برای بهبود شرایط زندگی خویش دست به ده‌ها اعتصاب زده‌اند ولی هر بار با بی‌رحمی کارفرمایان ستمگر مواجه گردیده‌اند.

در جامعهٔ ما فاصله بین فقر و ثروت روزتاروز عمیق و عمیق‌تر می‌گردد و طبقات حاکمهٔ ارتجاعی و استعمار نوین بیش‌ازپیش سرگرم تصاحب دسترنج خلق کارگر کشورند. کارگران کشور از مخارج غیرقابل‌تحمل زندگی که پیوسته کمرشکن تر می‌شود، از ناچیز بودن دست مزد، از شرایط خراب‌کار و حتی از عدم مراعات باصطلاح قانون کار و کارگر افغانستان، از تهدید بیکاری، از ظلم و ستمگری کارفرمایان و مأموران دولتی، از عدم مصونیت زندگی اعضای خانوادهٔ خویش، و ده‌ها مسأله حیاتی دیگر شکنجه می‌کشند.

هر سال هزاران کارگر بیکار می‌شوند و با سیل دهقانانی که از دهات بطرف شهر سرازیر می‌شوند، لشکر انبوهی از بیکاران را تشکیل می‌دهند. کارگران از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محروم‌اند. در کشور تاکنون اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری تشکیل نگردیده است تا بوسیلهٔ آن کارگران

«ص ۲»

برگزاری روز دهقان

یا تجلیل و تشویق ملاکان بزرگ فیودال

در چند سال اخیر حکومت افغانستان بمنظور اغفال و تحمیق بیشتر توده‌های انبوه دهقانان تهیدست، کم زمین و بی زمین روزی را بنام باصطلاح «روز دهقان» جشن می‌گیرد. دستگاه‌های تبلیغاتی دولت با شیوه‌های مبالغه‌آمیز و فریبنده‌ای پیرامون وضع زندگی دهقانان سخنان پرآب‌وتاب و مفت و ارزانی را نشر و پخش می‌نمایند و بدینوسیله تلاش می‌ورزند بر حقایق تلخ زندگی آنان پرده بیفگنند و دهقانان زحمتکش کشور را از تشکل و مبارزه بازدارند.

درصورتی‌که دهقانان و زحمتکشان دهات افغانستان دیگر از ظلم و بیداد ملاکین فیودال و مأمورین دولتی بستوه آمده‌اند. سال‌هاست که نتیجهٔ دسترنج و کار توان فرسای دهقانان زحمتکش کشور از طرف متنفذین و مستبدین و استثمار گران محلی به تاراج برده می‌شود. هم اکنون توده‌های میلیونی دهقانان کشور، سخت ترین و جابرانه ترین نوع فشار و استثمار را زیر چنگال فیودال‌ها، تاجران بزرگ دلال و ملاکین بورژوا بیروکرات متحمل می‌شوند.

معهذا محافل حاکمهٔ سیاسی نتنها گامی در راه نجات توده‌های عظیم دهقانان کشور بر نمی‌دارند بلکه علی‌الرغم آن بالای زخم های دیرینهٔ مردم زیر عنوان «برگزاری روز دهقان» نمک می‌پاشند و بازهم ملاکین و مالداران بزرگ را تجلیل و در راه استثمار بیشتر دهقانان بینوا تشویق می‌نمایند، درحالی‌که واقعی ترین تجلیل ازین طبقهٔ زحمتکش کشور، توجه به وضع رقتبار و شرایط اسفانگیز زندگی آنان و اجرای اصلاحات عمیق و اساسی ارضی به نفع دهقانان است.

دهقانان و زحمتکشان کشور نان، آزادی و زمین می‌خواهند!

تنها با مبارزهٔ متحد در یک جبههٔ واحد می‌توان

بر ارتجاع پیروز شد

تاریخ نیم قرن مبارزات خلق کشور ما علیه ارتجاع، استبداد و استعمار گنجینه ایست از تجارب آموزنده که استفاده درست از آن می‌تواند سرمشقی برای مبارزهٔ نجات‌بخش کنونی و آیندهٔ ما باشد. مبارزات پیشاهنگان راه آزادی کشور ما فراز و نشیب های فراوانی را طی کرده و مواجه به شکست‌های غم انگیزی شده است. یکی از علل ذهنی این شکست‌ها همانا وجود پراگنده‌گی های فکری و سازمانی در بین نیروهای ملی بوده که آثار زیان‌بخش آن تا امروز باقیست. آنچه در وضع کنونی بصورت یک واقعیت سرسخت احساس می‌شود، لزوم وحدت و اتحاد نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست ملی و دموکراتیک در مبارزه برای دموکراسی و استقلال ملی کشور علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم است. مراحل مختلف مبارزه هر بار وحدت و اتحاد نیروهای معین را ضرور می‌سازد.

تشخیص هدف در هر مرحلهٔ مبارزه و اقدام دلیرانه درانتخاب متحد می‌تواند پیروزی را تسریع کند، در عکس آن تجارب تلخ و ناگوار گذشته تکرار می‌شود و نفاق و افتراق، جنبش را به عقب می‌اندازد و یا آن را مواجه به شکست رقت‌آور و طولانی می‌سازد. لذا یکی از عمده‌ترین مسایلی که اکنون در برابر جنبش دموکراتیک و ملی کشور ما قرار دارد، مسأله تأمین وحدت و اتحاد تمام نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست دموکراتیک است.

بایدجداً در نظر داشت که ایجاد تفرقه و نفاق در جنبش موجود کشور تنها به زیان نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست نیست، بلکه به ضرر جنبش و در آخرین تحلیل به ضرر خلق افغانستان می‌انجامد.

تجربهٔ کشور ما و ملل جهان نشان می‌دهد که فقط با مبارزهٔ متحد می‌توان بر دشمن مشترک غلبه کرد. این امر بخصوص در شرایطی که تمام نیروهای ارتجاعی داخلی و همهٔ نیروهای امپریالستی خارجی برای استحکام خویش و سرکوبی نهضت ملی و دموکراتیک ضد فیودالیسم و ضد امپریالیسم در توطئه و اتحاد اند و اندیشه‌های زهرآگین نفاق فضای کشوررا مسموم می‌سازد، نسبت به هر زمان دیگر ضروری تر است.

تا جاییکه مربوط به ما است باید گفت که با تحلیل علمی جامعهٔ کنونی افغانستان و تشخیص مسئولیت تاریخی خویش، بر این عقیده استواریم که راه نجات خلق ما از اسارت ارتجاع داخلی و امپریالیزم وقتی هموار خواهد شد که وحدت و اتحاد تمام نیروهای ترقی‌خواه و ملی کشور پایه‌گذاری شود و جبههٔ واحدی از جریانات، محافل، ارگان‌های نشراتی، سازمان‌ها و شخصیت هایی که نمایندهٔ طبقات زحمتکش و دموکراتیک باشند، بر اساس یک پروگرام عملی مشترک و با حفظ استقلال و ایدیولوژی و

(در ص ۴)

نود و هشتمین سالگرد تولد لنین

دوست بزرگ شرق و مردم ما

دوم ثور ۱۳۴۷ نود هشت سال از تولد دانشمند بزرگ ولادیمیر الیچ لنین، قائد انقلاب کبیر اکتوبر و مؤسس نخستین دولت سوسیالیستی جهان و بنیان‌گذار دوستی افغانستان و شوروی می‌گذرد. بدین مناسبت این روز در سراسر جهان با یادآوری از نام، خدمات و آثار شگفت‌انگیز لنین تجلیل می‌گردد. لنین به صلح و دوستی بین ملل اهمیت فراوان قایل بود. چنانچه نخستین فرمان حکومت جوان شوروی که به امضای لنین صادر گردید، فرمان صلح بود.

در اعلامیهٔ دولت شوروی خطاب به خلق های مسلمان روسیه و شرق که به امضای لنین انتشار یافت، گفته می‌شد: «ازین پس معتقدات و آداب شما، انجمن های ملی و فرهنگی شما، آزاد و مصئون اعلام می‌شود. زندگی ملی خود را بلامانع و آزاد، مطابق میل خود بنا نهید. این حق شماست.»

در همان موقع که جمهوری نوبنیاد شوروی حملات چهارده دولت امپریالیستی را دفع می‌کرد، خلق آزادی‌خواه افغانستان پرچم جنگ عادلانهٔ نجات‌بخش ملی را علیه استعمار گران انگلیس بر افراشت، و جمهوری شوروی بلافاصله پشتیبانی خود را از نیروی ملی افغانستان ابراز داشت و «طی اعلامیهٔ از تمام کشور های جهان خواست که از اعمال زور در مورد کشور مستقل افغانستان خودداری کنند.»

جمهوری نوبنیاد شوروی درحالی‌که خودش مشغول زدوخورد با متجاوزین امپریالیست بود، در حساس ترین مرحلهٔ تاریخ افغانستان را با اسلحه و مهمات جنگی و پول نقد کمک کرد. اعلیحضرت امان‌الله پادشاه فقید افغانستان طی پیامی که بلافاصله بعد از استقلال کشور به ماسکو فرستاد، تمایل مردم افغانستان را به منظور ایجاد استقرار روابط دوستانه با جمهوری شوروی اعلام نمود.

(در ص ۳)

فرهنگ خلق های ازبک و ترکمن

بخش جدایی‌ناپذیر از کلتور ملی ماست

شرعی جوزجانی

«نتقال از مرحلهٔ عقب‌ماندهٔ فیودالی به یک مرحلهٔ جدید اجتماعی مترقی مستلزم تربیت و تعلیم مترقی و عصری تمام خلق های مملکت می‌باشد. طبقات حاکمهٔ ارتجاعی فیودالی و عوامل استعماری و امپریالیستی پیوسته کوشیده‌اند تا در برابر توسعه و ترقی فرهنگ پسندیدهٔ ملی خلق های کشور و انتشار کلتور مترقی و علمی جهان در داخل مملکت موانع بزرگی ایجاد کنند تا باین وسیله از تکامل اجتماعی و اقتصادی مردم به نفع خود جلوگیری بعمل آورند.

با درک این مسئله که فرهنگ و کلتور جدید افغانستان ملی، خلقی و دموکراتیک خواهد بود در راه تطبیق پروگرام ... زیر به مقصد تجدید حیات فرهنگی ... کشور و تکامل آن جد وجهد می‌شود:

۱ ــ تعمیم و اجرای تعلیمات اجباری همگانی و مجانی ابتدائی بزبان مادری فرزندان کشور در سراسر مملکت بعد از سن هفت سالگی (پسر و دختر) بدون تبعیض.

.....» مرام دموکراتیک خلق. چهارم: امور کلتوری.

خلق های زحمتکش و وطن‌پرست ازبک و ترکمن افغانستان محبوب که در کرانه‌های خروشان آمو، در دامنه‌های البرز و تیربند ترکستان، در جلگه‌های وسیع بلخ گزین و جوزجان و دشت‌های سوزان گسترده شده از فاریاب تا تخار و تالقان و سایر نقاط کشور حیات بسر می برند و دوشادوش سایر خلق‌های برادر ونجیب افغانستان اعم از پشتون، تاجک، هزاره وبلوچ و... بکارهای تولیدی مصروفند. خلق‌های ازبک و ترکمن در طول تاریخ سیاسی افغانستان، با دیگر خلق های دلیر این کشور در یک صف از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، بحیث ناموس ملی خویش، دلیرانه دفاع کرده و چون پاسبانان صلح و امنیت در یک وطن واحد پرافتخار افغانستان حیات بسر برده ومی برند. این دو خلق زحمتکش و وطن‌پرست در تحت شرایط‌غالباً نامساعد آنطرف هندوکش، با صرف نیروی بشری خویش با افزار تولیدی قرون وسطایی بتولید نعمت های مادی اشتغال دارند و یک قسمت مهم محصولات وطن عزیز از قبیل پنبه، پشم، قالین، پوست قره قل، اقسام میوه و انواع حبوبات را که اقلام مهم مواد صادراتی کشور ما را تشکیل می‌دهد، تولید می‌نمایند و در تقویهٔ بودجه و تمویل پلان‌های انکشافی دولت سهم قابل‌ملاحظهٔ را می‌گیرند.

خلق‌های ازبک و ترکمن در عین حالی که سنگینی «پاشنهٔ آهنین» طبقات حاکمه، بیگ و خان و ارباب (کله خواران) و فیودال‌های محلی را روی سینهٔ خود احساس می‌نمایند، سال‌هاست که از ناحیهٔ ستم ملی و احساس محرومیت از فرهنگ و کلتور خویش که توسط محافل حاکمهٔ ارتجاعی افغانستان اعمال می‌شود، نیز رنج عظیمی می‌برند. در طی ده‌ها سالی که از استقلال افغانستان می‌گذرد، نه تنها کوچکترین توجهی به احیای فرهنگ این خلق‌ها صورت نگرفته و بوجود آنها اعتراف نشده، بلکه برعکس مرتجعینی هم وجود داشته‌اند که موجودیت فرهنگ آنان را غیرقابل‌تحمل (!) تلقی نموده‌اند و حتی بی‌شرمانه به امحای مظاهر و بقایای آن اقدام کرده‌اند. تا کنون نیز هستند کوته‌نظران تنگ مایه ای که این دو خلق نجیب و وطن‌پرست را فاقد تاریخ و فرهنگ می‌دانند و در تحت تاثیر جهان‌بینی پوسیده و اندیشه‌های گمراه‌کنندهٔ خویش، معتقدند که باید بقایای این‌گونه فرهنگ‌ها از بین برده شوند.

در اثر اعمال این سیاست ضد مصالح و اتحاد ملی، بمرور زمان فرزندان این خلق‌ها از گنجینه‌های جاودان فرهنگ خویش که ریشه‌های آن در قلب تاریخ افغانستان دویده است و محصول استعدادهای خلاق ایثار می‌باشد، محروم مانده‌اند و تا حدود زیادی از آن بیگانه شده‌اند. چه وضعی رقت‌بارتر ازین می‌تواند باشد که اکنون اکثریت روشنفکران ازبک و ترکمن نمی‌توانند بزبان مادری خود بخوانند وبنویسند و امکانات تحصیل بزبان مادری خود داشته باشند؟ هرقدر که زمان بیشتری بر این وضع نامطلوب وغیر دموکراتیک می‌گذرد، همان قدر زبان وفرهنگ آنان دستخوش تغییر وتحریف می‌گردد و سنن پرافتخار فرهنگی ایشان بدست فراموشی سپرده می‌شود ولطمهٔ بزرگی بر غنا وگنجینه‌های فرهنگ های متنوع ملی افغانستان وارد می‌آید.

علت این‌همه بیدادگری‌ها و ستم ملی چیست؟ وجود ستم ملی در افغانستان ناشی از تسلط مناسبات کهنهٔ فیودالی، سیاست ارتجاعی محافل حاکمهٔ سیاسی و بقایای شوم سیاست استعماری انگلیس می‌باشد که تا کنون هم این نظرات ضد ملی و ضد دموکراتیک در دماغ طرفداران این سیاست ارتجاعی بقوت خود باقی مانده است و هدف آن برهم زدن اتحاد ملی و همبستگی واقعی خلق های سراسر افغانستان در یک وطن واحد می‌باشد.

تأمین واقعی همبستگی نیرومند ملی همان‌طوری که همرزم ارجمند ما «پنجشیری» طی مقالهٔ منتشره در شمارهٔ سوم جریدهٔ «پرچم» توضیح نموده‌اند، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که فرهنگ‌های تمام خلق‌های افغانستان بحیث اجزای غیرقابل انفکاک فرهنگ افغانستان شناخته شوند و در راه رشد و انکشاف جنبه‌های مثبت و مترقی آنها توجه جدی مبذول گردد و بخاطر نشر و معرفی آنها توسط جراید، رادیو و دیگر وسایل نشراتی اقدامات موثر صورت بگیرد. بر اساس این مشی دموکراتیک خلق، «پرچم» بعد ازین سعی خواهد کرد تا در پیرامون کلتور خلق های ازبک و ترکمن افغانستان معلوماتی به هموطنان گرامی تقدیم دارد وعملاً در راه شگفتگی فرهنگ‌های افغانستان محبوب گام‌های جدی و موثر بردارد.

»هر یک از خلق ها دارای تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات خود است و هر خلق صرف نظر از خردی و بزرگی آن در ساختمان فرهنگ جهانی حصه می‌گیرد، بنابرین تاریخ هر یک از فرهنگ‌های که بنام خلق‌های مختلف یاد می‌گردند در عین زمان جز لاینفک تاریخ فرهنگ عمومی جهان نیز می‌باشد» خلق‌های ازبک و ترکمن افغانستان نیز مدنیتی کهن و فرهنگی غنی دارند و در تعمیم و انکشاف علم و فن، هنر و ادبیات کشور وجهان بنوبهٔ خود سهم گرفته، دانشمندان بزرگ، شاعران و نویسندگان عالی‌مقامی چون علی شیر نوایی، ملک الکلام لطفی هروی، اتایی بلخی، دربیک، سکاکی، مشرب، مخدوم قلی، غیبی، یوسف خاص، حاجب، نادره، مقیمی، سید قلی جوزجانی، نیازی بلخی و ده‌ها تن دیگر در آغوش خود پرورده و با دیگر خلق های افغانستان روابط مادی و معنوی نزدیک و خلل ناپذیری داشته‌اند.

فرهنگ این دو خلق نیز زبان، ادبیات، عنعنات، رسم و رواج ها، انواع علوم و فنون، مسایل اخلاقی و فلسفی و انواع جهان‌بینی هایی را که این خلق‌ها در طول حیات تاریخی خویش داشته‌اند و بلاخره تمام مظاهرمادی و معنوی مدنیتی را که اساس گذاشته اند، دربرمی‌گیرد. ما در آینده در اطراف زبان و ادبیات و دیگر گوشه های تمدن و فرهنگ این دو خلق معلوماتی به هموطنان عزیز تقدیم خواهیم کرد.

از (ص اول)

اول ماه ...

بصورت دسته‌جمعی از حقوق و آزادی‌های خویش دفاع کرده بتوانند. معهذا علی‌رغم هرگونه تضییقات و اختناق، خطر بیکاری، فقر و بی‌خانمانی طبقهٔ کارگر جوان کشور در حوزه‌های صنعتی کابل، در گلبهار و جبل السراج، در پلخمری، بغلان و قندز و قندهار دست به اعتصاباتی زده‌اند و قدم بقدم شعور طبقاتی و سیاسی خویش را کسب می‌کنند و در نهضت کارگری و سیاسی کشور سهم فعال می‌گیرند.

کارگران جوان افغانستان!

جریان دموکراتیک خلق افغانستان نسبت به مبارزات شما احترام عمیق می‌گذارد، آینده از شماست! پیروزی های عظیم طبقهٔ شما در جهان روزافزون است. در شما نیروی خلاقی نهفته است، آن را بیدار سازید و برای تأمین حقوق مسلم و قانونی خویش و نجات خلق افغانستان از یوغ استبداد، ارتجاع، استثمار و نفوذ استعمار و امپریالیسم متشکل شوید و مبارزه کنید!

یکی از مهمترین وظایف طبقهٔ کارگر افغانستان تقویهٔ نهضت کارگری و تشکیل سندیکاهای صنفی، اتحادیه‌های کارگری و ایجاد کمیته‌های دفاع از حقوق بیکاران است.

کارگران کشور! مگذارید کارفرمایان خود سر مؤسسات صنعتی و ساختمانی، رفقای شمارا از کار اخراج کنند.

کارگران کشور! برای احقاق حقوق خویش از تمام اشکال مبارزه استفاده کنید، سطح آگاهی طبقاتی خود را بالا ببرید، با تألیف جسارت و احتیاط در نهضت صنفی و سیاسی شرکت کنید و برای آزادی تشکیل اتحادیه‌های صنفی واقعی مبارزه کنید!

وحدت و اتحاد کارگران افغانستان نیرومندترین ضامن پیروزی نهضت دموکراتیک و ملی و شرط اساسی بهبود وضع مادی و معنوی کارگران و مهمترین گام در راه آزادی آنها و دیگر طبقات زحمتکش افغانستان است.

نجات طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان کشور تنها از طریق اصل وحدت، سازمان و مبارزه امکان‌پذیر است.

پیروز باد وحدت طبقهٔ کارگر افغانستان در راه مبارزات صنفی و سیاسی!

شاد و پرشکوه باد جشن اول ماه می، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوان تر می‌سازد

(سلطانعلی کشتمند)

بسیاری از ممالک کم رشد که در شرایط مشابه کشور ما قرار دارند، به این نتیجه رسیده‌اند که بدون ایجاد پایه‌های مستحکم اقتصادی و اتخاذ پالیسی صحیح درین مورد نمی‌توان به عقب‌افتادگی های دیرینه پایان داد و فاصلهٔ عمیقی را که بین آنها و کشورهای پیشرفتهٔ جهان وجود دارد، کوتاه ساخت. تجارت خارجی در راه تحکیم این پایه‌ها و ایجاد زمینه برای رشد سالم اقتصادی و یا عکس آن نقش عمده دارد. کنترول درست و سوق تجارت خارجی در جهت مثبت برای صنعتی کردن کشور، حمایهٔ صنایع داخلی، مدرنیزه کردن زراعت و تأمین نیازمندی های عامهٔ مردم کمک می‌کند، اما تعقیب سیاست در های باز موجب ورشکستگی و رکود صنایع داخلی، تورم پولی، افزایش قیمت‌ها، بیکاری و آوارگی توده‌های زحمتکش مردم می‌شود. ادامهٔ سیاست وارداتی درهای باز که تنها خواست و منافع کشورهای امپریالیستی را برآورده می‌سازد، افغانستان را به بازار فروش امتعهٔ صنعتی این کشورها مبدل می‌نماید، اسعار ما در برابر اموال تجملی غیرضروری و اجناس مستعمل و بازمانده دیگران (سالانه بیشتر از یک میلیون دالر جهت خریداری اجناس کهنهٔ آمریکایی) به هدر می‌رود.

ورود بی‌بندوبار اموال خارجی و باز گذاشتن سرحدات شرقی، غربی و جنوبی کشور بروی اموال قاچاقی کم‌کیفیت و اما ارزان‌قیمت، که غالباً نه فقط بی‌فایده بلکه مضر می‌باشد، صنایع خیلی جوان و نوبنیاد داخلی را با رقابت نامتساوی مواجه می‌سازد و رشد سریع آن را مانع می‌شود، کنترول اسعار خارجی از دست می‌رود، و ارزش افغانی در برابر آن روز بروز پائین می‌افتد. جریان تمرکز و کنترول باز هم زیادتر افغانی و اسعار خارجی به چند دست تشدید می‌گردد، طوری که هم اکنون یک عدهٔ محدود تاجر کمپرادور، دلال و محتکر داخلی و تجار و نمایندگی های کشورهای سرمایه‌داری بر آن تسلط کامل دارند و هرروز بمقصد کسب سود بیشتر نرخ آن را بالا و پائین می‌آورند که حتی د افغانستان بانک (بانک مرکزی) ناگزیر است نوسانات نرخ اسعار را در بازار سیاه تعقیب نماید و نرخ های اسعاری خود را بر طبق آن تعیین کند. نتیجهٔ جبری این امر تضعیف روزافزون افغانی و سقوط قدرت خرید آن می‌باشد.

اقدام حکومت در زمینهٔ باصطلاح ریفورم پولی در آغاز سال ۱۳٤۲ که در اثر آن نرخ های متعدد اسعاری تبدیل به سیستم دوگانهٔ نرخ اسعار گردیده، پروسهٔ (جریان) تضعیف افغانی را در برابر دالر بطور روزافزونی تشدید کرد. محافل حکومتی کوشیدند ثابت کنند که تضعیف افغانی برای تشویق صادرات، تقویت قدرت رقابتی اموال داخلی در بازار جهانی، استقرار نرخ اسعار خارجی و بهبود وضع اقتصادی کشور مفید بوده است، ولی تجربه ثابت ساخت که یکی ازین رویاها به حقیقت نپیوست، نه تنها مقدار صادرات پس ازین باصطلاح ریفورم بیشتر نگردیده، بلکه حجم صادرات اکثر اقلام صادراتی از یکسال تا سال دیگر کاهش یافت، زیرا امتعهٔ صادراتی افغانستان از آن نوع تولیدات نیست که این امر انگیزهٔ برای رشد و انکشاف سریع و مداوم آن شده می‌توانست. بهترین مثال وضع صادرات پوست قره قل است که در سال «ریفورم پولی» تشویق گردید و اکثر مالداران بدون در نظر گرفتن وضع نسل های آیندِ قره قل تعداد بیشتر بره‌های نوزاد را کشتند و در نتیجه سال‌های بعد سطح صادرات قره قل پائین افتاد. در سال ۱۳٤۱ یعنی سال قبل از «ریفورم» ۱,۷ میلیون جلد پوست قره قل صادر گردیده بود که با این ریفورم تعداد آن به ۲,۲میلیون جلد ارتقا یافت، اما در سال‌های بعدی (٤۳ و ۱۳٤٤) این رقم به ۱,٥میلیون جلد پائین آمد. عواید اسعاری آن نیز عروج و نزول ناگهانی صادرات این قلم عمدهٔ تجارتی را نشان می‌دهد.

عواید حاصله از ناحیهٔ صدور قره قل در سال ۱۳٤۱ باندازهٔ ۱۱,۹ میلیون دالر بود که در سال ٤۲ دفعتاً به ۱٦,۸ میلیون دالر بالا رفت و با همان سرعت دوباره پائین افتاد که رقم ۱۲,٤۱میلیون دالر برای سال ۱۳٤۳ بهترین گواه این امر است که «ریفورم پولی» در راه تشویق صادرات سرابی بیش نبوده است. در کتاب پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی اعتراف می‌گرد: «در حجم صادرات قره قل در حدود ۱۱ فیصد تنقیض رونما گردیده است (مقایسه بین سال‌های ٤٤ و ٤٥) و همچنان ارزش این امتعهٔ صادراتی باندازهٔ ۲۷ فیصد سقوط نموده است.»

قدرت رقابتی اموال داخلی در بازارهای جهانی نیز نه فقط تقویه نشد، بلکه تضعیف گردیده و بهترین شاهد آن رکود اسف انگیر قالین ما در بازار های اروپائی و آمریکایی است. مفکورهٔ استقرار نرخ اسعار هم عملی نشد که نشد. نرخ غیررسمی دالر در د افغانستان بانک در سال ٤۲ از ٥۰ افغانی فی دالر به ٦۰، ٦٥ و ۷۰ و افغانی ۸۰ رسید و سر انجام از آن هم تجاوز کرد.

به همه معلوم است که تأثیر این ریفورم قلابی در بهبود وضع اقتصادی کشور هم چندان مشهود نیست بسیاری از مردم ما این اقدام را به جز عقب‌نشینی در مقابل فشار صندوق وجهی بین‌المللی و محافل امپریالیستی نمی‌داند. صندوق وجهی بین‌المللی و امپریالیزم باغ وعدهٔ کمک در امر برطرف نمودن مشکلات کنونی کشور سهم کردند برای رسوخ بعدی سرمایهٔ خصوصی امپریالیستی شرایط مساعد تری بدست آورند.

درست است که ما بنا بر فقدان، ضعف و محدودیت اکثر رشته‌های صنعتی در داخل کشور به بسیاری از اجناس خارجی نیازمندیم، اما به چه نوع اجناس؟ آیا آن اشیای تجملی و بی لزوم که ورود آنها زاید است و مورد استفادهٔ گروه معدودی از صاحب‌امتیاز جامعه قرار می‌گیرد؟ یا اجناسی که نظیر آن در داخل کشور تولید شده می‌تواند؟ و یا امتعهٔ که رفع ضروری ترین نیازمندی های تولیدی و مصرفی ما را کرده بتواند و انگیزهٔ برای رشد تولید داخلی باشد؟ آیا تأسف آور نیست در کشوری که اکثریت عظیم مردم آن به نان شباروزی محتاج است، برای اقلیت ناچیز و سربار جامعه لوازم‌آرایش و تجمل گران‌قیمت به آخرین مود روز وارد شود؟

منافع مردم افغانستان حکم می‌نماید که باید تجارت خارجی وسیله یی باشد جهت تأمین بازارهای مطمئن برای اموال صادراتی افغانستان، رشد و رونق تولید داخلی، جلوگیری از فرار و خروج اسعار خارجی بمنظور صرفه‌جویی، ذخیره و مصرف آن در امور تولیدی، جلوگیری از ورود اموال تجملی و بی لزوم و آن اجناسی که رقابت تولیدات داخلی را به مشکل روبرو می‌سازد و باعث تعطیل و ورشکست صنایع داخلی می‌شود و مانع رشد بعدی آن می‌گردد. ما در شماره‌های آیندهٔ پرچم به این موضوع که با چه نوع تجارت و با کدام یک از حوزه‌های تجارتی این مأمول برآورده می‌شود، روشنی خواهیم افگند.

از (ص اول)

نود و هشتمین سالگرد تولد لنین...

درین پیام چنین اظهار شده بود:

«ازآنجایی که شما، حضرت دوست محبوب و بزرگ من، رییس‌جمهور کشور معظم روسیه باتفاق دیگر رفقای خود، دوستان بشریت وظیفهٔ پرافتخار و شرافتمندانهٔ مراقبت از صلح و آسایش افراد را به عهده گرفته‌اید من خوشبختم از اینکه برای اولین بار از جانب ملت ترقی‌خواه افغانستان پیام دوستانهٔ واقعی کشور مستقل و آزاد افغانستان را ارسال می‌دارم».

لنین در جواب نوشت: «پس از دریافت اولین پیام تبریک از طرف ملت آزاد و مستقل افغانستان به مردم روسیه ...عاجلاً از جانب حکومت کارگری و دهقانی و همهٔ مردم روسیه، به ملت افغانستان که قهرمانانه از آزادی خود در مقابل استیلاگران اجنبی دفاع می‌کنند، متقابلاً تبریک میگوییم.»

با این پیام های دوستانه سنگ مستحکم تهداب روابط سیاسی بین افغانستان و اتحاد شوروی گذاشته شد.

لنین در نامهٔ دیگری به پادشاه افغانستان نوشت: «حالیه کشور برومند افغانستان یگانه کشور اسلامی مستقل دنیاست و تقدیر این وظیفهٔ تاریخی خطیر را بعهدهٔ ملت افغانستان گذاشته که خلق های مظلوم و اسیر مسلمان را پیرامون خود متحد سازد و آنها را به راه آزادی و استقلال سوق دهد.»

همچنان در سند مهم سیاسی سوم جون سال ۱۹۲۱ که با شرکت مستقیم لنین تنظیم شد، به نمایندگان سیاسی اتحاد شوروی راجع به اصول سیاست خارجی دولت شوروی در مورد کشورهای شرق چنین اشعار گردید: «سیاست ما سیاست صلح و همکاری بین تمام ملت‌هاست در حال حاضر که ملل شرق به علت عقب‌ماندگی اقتصادی از تحکم و ستم اقتصادی اجنبی رنج می برند روسیهٔ شوروی سوسیالیستی دوست طبیعی آنهاست. سیاست ما در شرق تجاوزکارانه نیست، سیاست ما سیاست صلح و دوستی است. شما باید بطور منظم این اصل اساسی را در تمامی فعالیت خود نشان دهید و بخصوص در کابل هدف اساسی فعالیت شما باید توسعهٔ دوستی ما با افغانستان باشد. منظور از دوستی معاضدت و همکاری متقابل است و ما بر اساس تمایل خود در زمینهٔ کمک به پیشرفت و ترقی کشور دوست ما افغانستان آماده‌ایم که درین عرصهٔ صلح آمیز به قدر قدرت و توانائی خود، تمام کمک های لازم را به آن کشور بنماییم. شما باید خواست‌ها و احتیاجات افغانستان را در نظر بگیرید و تمایل دولت افغانستان را بما روشن بسازید تا ما بتوانیم به قدر امکان خود برشد و ترقی آن کمک کنیم...»

لنین دوست بزرگ افغانستان به تحکیم سیاست دوستانهٔ دو کشور همسایه توجه فراوانی مبذول می‌داشت، چنانچه از آن تاریخ تا کنون دوستی و همکاری خلل ناپذیر خلق آزادیخواه افغانستان با خلق وکشور صلح دوست اتحاد شوروی رو به توسعه می نهد.

زنده باد مناسبات دوستانه و همکاری دایم التزاید افغان ـ شوروی بخاطر صلح، استقلال ملی و ترقی!

کارگران نجیب کشور توجه فرمایند!

جریدهٔ پرچم که حامی و انعکاس دهندهٔ آرمان‌ها و مطالبات طبقهٔ کارگر و زحمتکشان افغانستان است، از تمام کارگران شریف کشور دعوت می‌نماید تا مطالبات، خواست‌ها، دردها، پیشنهادها، انتقادها و نظرات خود را به جریدهٔ پرچم بفرستند.

پرچم وظیفهٔ خود می‌داند تا این خواست‌ها را منعکس سازد و بحیث ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان از حقوق کارگران و تمام طبقات زحمتکش وطن محبوب حمایت نماید.

اخراج ظالمانهٔ کارگران

نساجی پلخمری

خبرنگار پرچم از شهر صنعتی پلخمری اطلاع می‌دهد که شصت و دو تن از کارگران شعبهٔ کلاوهٔ فابریکهٔ نساجی پلخمری، بشمول دو تن از زنان کارگر بنا بر دستور کارفرمایان دستگاه از حق کار و حد اقل دستمزد خود محروم گشته‌اند و در کوچه و بازار مانند هزاران بیکار سیه‌روز دیگر در جستجوی نان و کار سرگردان و با زندگانی غم انگیزی دست‌به‌گریبان‌اند.

خبرنگار ما می‌افزاید که اکثریت این کارگران از سنین ۹ تا ۱۰ مورد بهره‌کشی بوده، سالیان درازی از صبح تا شام و از شام تا صبح،۱۲ ساعت کار پر مشقت را بخاطر تأمین مزد بخور و بتدریج بمیر، در دشوارترین شرایطی انجام داده‌اند و مانند پدران کارگر خود نشاط جوانی، انرژی، نیروی بازوی خود و شیرین ترین دوران حیات خود را در کنار ماشین‌ها از دست داده‌اند.

همچنان گفته می‌شود که هیأت عامل دستگاه نساجی دستور داده است که علاوه بر اخراج کارگران شعبهٔ کلاوه، یک عده از کارگران باسابقهٔ شعب دیگر فابریک را، که بیش از بیست سال درین دستگاه رنج برده‌اند، نیز از فابریکهٔ نساجی پلخمری بیرون ریزند. علت این اقدام ظالمانه، علی‌رغم بهانه‌هایی که گردانندگان اداری و کارفرمایان فابریکه، می‌تراشند، اینست که از بازار گرم بیکاری موجود استفاده نمایند و کارگران جوانتر و تازه دم و با نیروتری را، با مزد کمتر استخدام و مورد استثمار شدید تر قرار بدهند.

پرچم درحالی‌که این عمل زشت کارفرمایان را جداً تقبیح می‌کند، چارهٔ وضع هلاکت بار کارگران کشور را درین می‌داند که طبقهٔ کارگر جوان کمیته‌های ضد اخراج از کار، اتحادیه‌ها و سندیکای خود را ایجاد نمایند و بمبارزات صنفی، سیاسی و طبقاتی خویش دلیرانه ادامه دهند.

از «صفحه اول»

تنها با مبارزه...

هدف‌های خاص خود، بوجود آید. ما باین اصل معتقدیم که تکیه بر اختلاف و پراگنده‌گی نیروها بضرر خلق و بر ضد جنبش دموکراتیک و ملی است و بالعکس اتحاد عمل بر پایهٔ نقاط مشترک در مبارزه با دشمن مشترک، زمینهٔ پیروزی را تدارک می‌بیند. فقط در عرصهٔ مبارزهٔ فعال و دلیرانه بر ضد دشمن مشترک (ارتجاع داخلی و بین‌المللی) توأم با صحبت و انتقاد دوستانه و اصولی و مشاورهٔ صادقانه می‌توان اختلافات موجود را در بین نیروهای ترقی‌خواه که جهان‌بینی علمی و ایدیولوژی پیشرو رهنمای عمل شانست، از میان برداشت و در نتیجه علی‌رغم تمام مشکلات موجود از بوتهٔ آزمایش پیروزمندانه بیرون آمد و وحدت تمام نیروهای ترقی‌خواه را در یک جریان واحد تأمین کرد.

رفقا و دوستان ما توجه بفرمائید! ما سیاست تفرقه و افتراق را در میان نیروهای ترقی‌خواه قویاً محکوم و آن را عملی به نفع امپریالیزم و ارتجاع داخلی می‌شماریم، جریان وطن‌پرست ما به عنوان مدافع منافع طبقهٔ کارگر و همهٔ زحمتکشان شهر و ده خلق افغانستان با توجه به مسئولیت خطیری که در امر وحدت نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست و اتحاد جمیع نیروهای ملی و دموکراتیک دارد، مشی اصلی سیاست خود را مبارزه برای تشکیل جبههٔ متحد دموکراتیک و ملی قرار داده است و با وجود نفاق افگنی ها و دشواری های بزرگ، با سرسختی و دلیرانه در چوکات اصول و برخورد مترقی درین راه سعی فراوان مبذول خواهد داشت، زیرا ارتجاع داخلی و امپریالیزم را صرف با مبارزهٔ متحد در یک جبههٔ واحد می‌توان واژگون ساخت.

(ب. ک)

فاجعهٔ مرگ غم انگیز یک کارگر جوان

خبرنگار پرچم اطلاع می‌دهد که روز ۳۱ حمل، محمد عارف، کارگر ۳۵ سالهٔ شرکت سرویس از ارتفاع ۱۲ متر سقوط کرد و بعد از تقریباً ۴۸ ساعت در گذشت.

علت اصلی حادثه این بود که محمد عارف وظیفهٔ ترمیم تیر موتر داشت ولی از طرف کارفرمای محل، جبراً به کار وارسی نل ها بر فراز گادر های روی بام واداشته شده بود. چون وی درین کار مهارت و بلدیت نداشت در اثر لغزیدن سقوط نمود و بطرز غم انگیزی جان سپرد. قرار معلوم تا کنون چندین بار در اثر بی‌مبالاتی کارفرمایان شرکت سرویس همچو حوادث خونین تکرار شده است.

خبرنگار علاوه می‌کند که جنازهٔ کارگر جوان از طرف جمعیت کثیری از کارگران مشایعت شد و در مراسم تدفین وی یک تن از کارگران شرکت سرویس پیرامون وضع رقت‌بار زندگی، شرایط نامساعد کار و مطالبات صنفی طبقهٔ کارگر افغانستان بیانیه یی ایراد کرد.

همکاران پرچم درگذشت المانگیز این کارگر جوان را که حامی و نفقه رسان یک زن و پنج فرزند کوچک بود، به خانواده و دوستان وی و به کلیهٔ کارگران زحمت کش کشور تسلیت می‌گوید.

چرا انتخابات

ولایتی جرگه شروع نمی‌شود

مسکوت ماندن جرگه‌های ولایتی، زیر پا گذاشتن آشکار حقوق سیاسی و اجتماعی مردم است.

قانون اساسی در مادهٔ یکصد و نهم بصراحت می‌گوید: «در هر ولایت، ولایت جرگه تشکیل می‌شود، اعضای ولایت جرگه توسط انتخابات آزاد، عمومی، مستقیم و سری از طرف ساکنین ولایت انتخاب می‌گردند...» مردم ولایات کشور از خود هیچگونه مقام منتخب دموکراتیک ندارند که حد اقل از حقوق شان در برابر اعمال کیف مایشائی والی‌ها، ولسوال ها، ژاندارم و پولیس دفاع کنند. مردم جداً جواب می‌خواهند که چرا دولت تاکنون بیش از سه سال ونیم از قانون اساسی کشور می‌گذرد، انتخابات جرگه‌های ولایات را آغاز نکرده و خلق افغانستان را از احراز یکی از حقوق مسلم و دموکراتیک آنان محروم نگهداشته است؟

اعتصاب شاگردان شونخی

میخانیکی کابل

خبرنگار پرچم اطلاع می‌دهد که در آغاز این هفته چهارصد و پنجاه شاگرد لیلیهٔ شونخی میخانیکی کابل دست به اعتصاب درسی و نخوردن غذا زدند.

اعتصاب ۴۸ ساعتهٔ طلاب بمنظور بهبود شرایط ناگوار لیلیه، مطالبهٔ تحصیل بالاتر از متوسطه و از بین بردن کانکور برای تحصیلات ثانوی صورت گرفت.

پرچم: مبارزهٔ این طلاب را با خواست‌های مشروع آنان کاملاً قانونی پنداشته و از آن پشتیبانی می‌نماید.

پرچم
به دو زبان پشتو و دری فعلاً بروزهای پنجشنبه نشر می‌شود

سال تأسیس: حوت ۱۳۴۶
صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیت محمد جانخان واټ کابل - افغانستان

اشتراک
مرکز: سالانه ۱۰۰ ــ افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه ۱۱۰ ــ افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

نمبر حساب‌جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجارتی بانک

تایپ ویرایش جدید: مسعود حداد

مطبعه دولتی